

مسئله ۲۳۲۹ - هنگامی که انسان آثار و نشانه‌های مرگ را در خود دید فوراً امانتهای مردم را به صاحبانش برگرداند و اگر بدهکار است و موقع آن رسیده باید بدهی خود را بدهد و اگر خودش نمی‌تواند بدهد یا وقت دادن بدهی نرسیده، باید وصیت کند و اگر اطمینان ندارد که به وصیت او عمل کنند باید شاهد بگیرد، ولی اگر مطمئن است که ورثه بدهی او را می‌پردازد وصیت لازم نیست.

مسئله ۲۳۳۰ - کسی که آثار و نشانه‌های مرگ را در خود می‌بیند اگر خمس و زکات و مظالم بدهکار است باید فوراً بپردازد و اگر نمی‌تواند بدهد چنانچه مالی دارد، یا اگر مال ندارد احتمال می‌دهد دوستان یا بستگانش آن را ادا کنند باید وصیت نماید، همچنین است اگر حج بر او واجب باشد و اگر نماز و روزه قضا دارد بنا بر احتیاط واجب باید وصیت کند (با رعایت آنچه در مسئله نماز و روزه استیجاری گفته شد).

مسئله ۲۳۳۱ - کسی که آثار مرگ را در خود می‌بیند اگر مالی نزد کسی دارد، یا در جایی پنهان کرده که ورثه نمی‌دانند، چنانچه به واسطه ندانستن حقیقتشان از بین برود باید به آنان اطلاع دهد و نیز در صورتی که فرزندان صغیر دارد و اگر قیم و سرپرست معین نکند حق آنها از بین می‌رود یا خودشان ضایع می‌شوند، باید برای آنان قیم امینی معین نماید.

مسئله ۲۳۳۲ - کسی را که به او وصیت می‌کنند «وصی» می‌گویند و بنا بر احتیاط واجب باید مسلمان و بالغ و عاقل و مورد اعتماد باشد.

مسئله ۲۳۳۳ - هرگاه کسی چند وصی برای خود معین کند چنانچه اجازه داده است هر کدام به تنهایی به وصیت او عمل کنند لازم نیست از یکدیگر اجازه بگیرند و اگر اجازه نداده است (خواه گفته باشد همه با هم عمل کنند یا نگفته باشد) باید با نظر یکدیگر به وصیت او عمل نمایند و اگر حاضر به همکاری نباشند، یا در تشخیص مصلحت اختلاف کنند، در صورتی که تأخیر، سبب تعطیل عمل به وصیت یا تأخیر آن گردد باید حاکم شرع ترتیبی دهد که عمل به وصیت، زمین نماند.

مسئله ۲۳۳۴ - هرگاه انسان از وصیت خود برگردد (مثلاً اول بگوید ثلث مالش را به کسی دهند و بعد بگوید ندهند) وصیت باطل می‌شود، همچنین اگر وصیت خود را تغییر دهد مثل آنکه قیمی برای صغیر معین کرده بعد دیگری را بجای او تعیین کند وصیت اول باطل می‌شود و نیز اگر کاری کند که معلوم شود از وصیت خود برگشته است (مثلاً خانه ای را که

وصیت کرده به کسی بدهند، بفروشند، یا کسی را برای فروش آن وکیل نماید).

مسألة ۲۳۳۵ - هرگاه وصیت کند چیز معینی را به کسی دهند بعد وصیت کند نصف آن را به دیگری دهند، باید آن مال را دو قسمت کرده، به هر کدام نصف آن را بدهند.

مسألة ۲۳۳۶ - هرگاه کسی در مرضی که به آن مرض از دنیا برود مقداری از مالش را به کسی ببخشد و نیز وصیت کند که بعد از مردن او مقداری به شخص دیگری بدهند، چنانچه مجموعاً بیش از ثلث مال او باشد در مقدار اضافی احتیاط آن است که از ورثه اجازه بگیرند.

مسألة ۲۳۳۷ - هرگاه وصیت کند ثلث مال او را نگه دارند و عایدی آن را به مصرفی برسانند باید مطابق آن عمل شود.

مسألة ۲۳۳۸ - هرگاه در مرضی که با آن از دنیا می رود بگوید مقداری به کسی بدهکار است چنانچه متهم باشد که برای ضرر زدن به ورثه این اقرار را نموده است باید آن را از ثلث او حساب کنند و اگر متهم نباشد از اصل مال می دهند.

مسألة ۲۳۳۹ - شخصی که برای او وصیت شده باید وجود داشته باشد، بنابراین اگر مالی را برای بچه‌ای که ممکن است بعداً به وجود آید وصیت کند اشکال دارد و احتیاط آن است که با ورثه صلح کنند، ولی اگر برای بچه‌ای که در شکم مادر است وصیتی کند وصیت او صحیح است هر چند هنوز روح نداشته باشد پس اگر زنده به دنیا آمد باید آنچه را که وصیت کرده به او دهند و اگر مرده به دنیا آید وصیت باطل می شود و آن مال به ورثه می رسد.

مسألة ۲۳۴۰ - هرگاه انسان با خیر شود کسی او را وصی خود کرده، چنانچه به اطلاع وصیت کننده برساند که حاضر به قبول وصیت نیست و او بتواند دیگری را وصی خود کند وصیت او باطل می شود، ولی اگر پیش از مردن او باخبر نشود، یا باخبر شود اما به او اطلاع ندهد که حاضر به قبول وصیت نیست، یا اطلاع دهد و او دسترسی به شخص دیگری نداشته باشد احتیاط واجب آن است که به وصیت عمل کند، مگر اینکه مشقت شدیدی داشته باشد.

مسألة ۲۳۴۱ - وصی نمی تواند دیگری را برای انجام کارهای میت معین کند و خود کنار برود ولی اگر بداند مقصود میت فقط انجام کار بوده خواه به وسیله او، یا دیگری، می تواند

دیگری را از طرف خود وکیل کند.

مسأله ۲۳۴۲ - هرگاه کسی دو نفر را وصی قرار دهد که مشترکاً کارها را انجام دهند، چنانچه یکی از آن دو بمیرد یا دیوانه یا کافر شود حاکم شرع یک فرد دیگر را به جای او معین می‌کند و اگر هر دو چنین شوند حاکم شرع دو نفر دیگر را معین می‌کند.

مسأله ۲۳۴۳ - هرگاه وصی نتواند به تنهایی کارهای میّت را انجام دهد و نتواند کسی را کمک بگیرد حاکم شرع برای کمک او فرد دیگری را تعیین می‌کند.

مسأله ۲۳۴۴ - هرگاه همه یا قسمتی از مال میّت در دست وصی تلف شود، چنانچه او در نگهداری آن کوتاهی نکرده و بر خلاف دستور میّت رفتار ننموده ضامن نیست، و الا ضامن است.

مسأله ۲۳۴۵ - هرگاه کسی را وصی خود کند و بگوید اگر او بمیرد فلان شخص دیگر وصی من باشد این وصیت صحیح است و اگر وصی اول بمیرد وصی دوم جانشین او می‌شود.

مسأله ۲۳۴۶ - بدهکاری و حج واجب و خمس و زکات و مانند آن را باید از اصل مال بدهند، اگر چه وصیت نکرده باشد و چنانچه چیزی اضافه بیاید هرگاه وصیتی کرده باشد که ثلث یا مقداری از ثلث رابه مصرفی برساند باید به وصیت عمل کنند و اگر کسی وصیت نکرده باشد ثلث برای او نیست و آنچه بعد از ادای دین اضافه می‌ماند مال ورثه است.

مسأله ۲۳۴۷ - انسان نمی‌تواند بیش از مقدار ثلث مال خود را وصیت کند مگر، اینکه ورثه اجازه دهند، خواه این اجازه قبل از فوت او باشد یا بعد از فوت، و ورثه بعد از اجازه نمی‌توانند از حرف خود برگردند، خواه قبل از فوت اجازه داده باشند یا بعد از آن بنا بر احتیاط واجب.

مسأله ۲۳۴۸ - هرگاه کسی وصیت‌های متعدد برای کارهای مختلف کند و ثلث او کفایت نکند، باید بترتیب آنچه در وصیت ذکر شده عمل کنند تا به اندازه ثلث برسد و بقیه وصیت باطل است (مگر اینکه ورثه اجازه دهند) اما اگر در وصیت خود واجبات را هم ذکر کرده باشد مانند حج و خمس و زکات و مظالم این قسمت از اصل مال برداشته می‌شود و بقیه از ثلث.

مسأله ۲۳۴۹ - اگر کسی بگوید که میّت وصیت کرده فلان مال رایه من بدهید چنانچه دو

مرد عادل گفته او را تصدیق کنند، یا قسم بخورد و یک مرد عادل هم گفته او را تصدیق نمائید، یا یک مرد عادل و دو زن عادل، یا چهار زن عادل گواهی دهند، باید به گفته آن شخص عمل شود و اگر موقع وصیت مرد عادل حضور نداشته تنها یک زن عادل شهادت دهد باید یک چهارم آن مال را به او دهند و اگر دو زن عادل شهادت دهند نصف آن را و اگر سه زن عادل شهادت دهند باید سه چهارم آن را به او دهند و نیز اگر دو مرد کافر ذمی که در دین خود عادل باشند گفته او را تصدیق کنند در صورتی که میت ناچار بوده که وصیت کند و مرد و زن مسلمان عادل هم در آنجا نبوده باید به وصیت عمل شود.

مسألة ۲۳۵۰ - هرگاه کسی ادعا کند من وصی میتیم که اموال او را به مصرفی برسانم، یا قیم بچه‌های او هستم فقط در صورتی باید ادعای او را پذیرفت که دو مرد عادل گفته او را تصدیق کنند.

مسألة ۲۳۵۱ - هرگاه کسی وصیت کند چیزی به شخصی بدهند و آن شخص قبل از آنکه قبول یا رد کند از دنیا برود، ورثه او می‌توانند آن وصیت را قبول کنند، خواه قبل از وصیت کننده از دنیا رفته باشد و یا بعد از او و این در صورتی است که وصیت کننده از وصیت خود برنگردد.

* * *

احکام ارث

مسألة ۲۳۵۲ - کسانی که به واسطه خویشاوندی ارث می‌برند سه گروهند:
گروه اول: پدر و مادر و اولاد میت است و با نبودن اولاد، اولاد اولاد او هر چه پایین روند (البته هر کدام از آنان که به میت نزدیک‌تر است) و تا یک نفر از این گروه باشد گروه دوم ارث نمی‌برند.

گروه دوم: پدر بزرگ و پدر او، هر چه بالا روند و مادر بزرگ و مادر او، هر چه بالا روند (پدری باشند یا مادری) و همچنین خواهر و برادر و با نبودن برادر و خواهر اولاد ایشان و اولاد اولاد ایشان، هر کدام به میت نزدیک‌تر است و تا یک نفر از این گروه وجود دارد گروه

سوم ارث نمی‌برند.

گروه سوم: همو و عمه و دایی و خاله هر چه بالا روند و اولاد آنان هر چه پایین روند (البته هر کدام نزدیک‌ترند ارث می‌برند) و تا یک نفر از همو و عمه‌ها و دایی و خاله‌ها زنده‌اند اولاد آنان ارث نمی‌برند و تا اولاد آنها زنده‌اند اولاد آنها ارث نمی‌برند و تنها یک استثناء دارد و آن اینکه: اگر میت هموی پدری و پسر عموی پدری و مادری داشته باشد، عموی پدری ارث نمی‌برد و مال به پسر عموی پدر و مادر می‌رسد.

مسألة ۲۳۵۳ - اگر همو و عمه و دایی و خاله خود میت و اولاد آنان وجود نداشته باشند نوبت به همو و عمه و دایی و خاله پدر و مادر میت می‌رسد و اگر اینها نباشند اولادشان ارث می‌برند و اگر آنها نباشند همو و عمه و دایی و خاله پدر بزرگ و مادر بزرگ میت ارث می‌برند و اگر آنها نباشند نوبت به اولادشان می‌رسد.

مسألة ۲۳۵۴ - زن و شوهر از یکدیگر ارث می‌برند به شرحی که در بحثهای آینده خواهد آمد.

ارث گروه اول

مسألة ۲۳۵۵ - هرگاه وارث میت فقط یک نفر از گروه اول باشد (مثلاً پدر یا مادر، یا یک پسر یا یک دختر) تمام مال میت به او می‌رسد و اگر چند پسر یا چند دختر باشند، میان آنها به طور مساوی تقسیم می‌شود و اگر دختر و پسر هر دو باشند مال را به طور مساوی قسمت می‌کنند که هر پسر دو برابر دختر ببرد.

مسألة ۲۳۵۶ - هرگاه وارث میت فقط پدر و مادر او باشند، مال سه قسمت می‌شود، دو قسمت آن را پدر و یک قسمت آن را مادر می‌برد، ولی اگر میت دو برادر، یا چهار خواهر، یا یک برادر و دو خواهر داشته باشد که همه آنها پدر و مادری باشند یا پدری فقط (یعنی پدر آنان با پدر میت یکی باشد) مادرشش یک مال را می‌برد و بقیه به پدر می‌رسد.

مسألة ۲۳۵۷ - هرگاه وارث میت فقط پدر و مادر و یک دختر باشند، مال را پنج قسمت می‌کنند پدر و مادر هر کدام یک قسمت و دختر سه قسمت آن را می‌برد، مگر اینکه میت دو برادر یا چهار خواهر یا یک برادر و دو خواهر پدری داشته باشد، در این صورت مال را شش قسمت می‌کنند، پدر و مادر هر کدام یک قسمت و دختر سه قسمت می‌برد و یک

قسمت باقی مانده را پدر و دختر در میان خود تقسیم می کنند و احتیاط آن است که آن دو در این تقسیم باهم صلح کنند.

مسألة ۲۳۵۸ - هرگاه وارث میت فقط پدر و مادر و یک پسر باشد مال را شش قسمت می کنند، پدر و مادر هر کدام یک قسمت و پسر چهار قسمت آن را می برد و اگر چند پسر یا چند دختر باشند، آن چهار قسمت را به طور مساوی میان خودشان تقسیم می کنند و اگر سر و دختر با هم باشند طوری تقسیم می کنند که هر پسر دو برابر دختر ببرد.

مسألة ۲۳۵۹ - هرگاه وارث میت فقط پدر و یک پسر، یا مادر و یک پسر باشد مال را شش قسمت می کنند، یک قسمت سهم پدر یا مادر است و پنج قسمت سهم پسر.

مسألة ۲۳۶۰ - هرگاه وارث میت فقط پدر یا مادر و یا پسر یا دختر باشد مال را شش قسمت می کنند، یک سهم آن را پدر یا مادر می برد و پنج سهم باقی مانده را طوری تقسیم می کنند که هر پسر دو برابر دختر ببرد.

مسألة ۲۳۶۱ - هرگاه وارث میت فقط پدر و یک دختر، یا مادر و یک دختر باشد مال را چهار قسمت می کنند، یک قسمت آن را پدر یا مادر و سه قسمت آن را دختر می برد.

مسألة ۲۳۶۲ - هرگاه وارث میت فقط پدر و چند دختر، یا مادر و چند دختر باشد مال را پنج قسمت می کنند، یک قسمت را پدر یا مادر می برد و چهار قسمت دیگر سهم دخترهاست که به طور مساوی میان خودشان تقسیم می کنند.

مسألة ۲۳۶۳ - هرگاه میت اولاد نداشته باشد نوۀ پسری او (هر چند دختر باشد) سهم پسر میت را می برد و نوۀ دختری او (هر چند پسر باشد) سهم دختر میت را می برد.

ارث گروه دوم

مسألة ۲۳۶۴ - گروه دوم از کسانی که به واسطه خویشاوندی ارث می برند «پدر بزرگ» و «مادر بزرگ» و «برادر» و «خواهر» میت است و اگر برادر و خواهر نداشته باشد اولادشان به آنها ارث می برند، این گروه در صورتی ارث می برند، که هیچ کس از گروه اول وجود نباشد.

۲۳۶۵ - هرگاه وارث فقط یک برادر یا یک خواهر باشد، همه مال به او می رسد و

چند برادر یا چند خواهر پدر و مادری باشند همه مال به طور مساوی در میان آنها

تقسیم می‌شود و اگر برادر و خواهر پدر و مادری با هم باشند سهم هر برابر دو برادر خواهر خواهد بود.

مسئله ۲۳۶۶ - با وجود برادر و خواهر پدر و مادری، برادر و خواهر پدری فقط که از مادر با میت جدا است ارث نمی‌برد، ولی اگر برادر و خواهر پدر و مادری ندارد چنانچه فقط یک خواهر یا یک برادر پدری دارد تمام مال به او می‌رسد و اگر چند خواهر پدری دارد مال به طور مساوی در میان آنها تقسیم می‌شود و اگر هم برادر و هم خواهر پدری دارد هر برادر دو برابر خواهر می‌برد.

مسئله ۲۳۶۷ - هرگاه وارث فقط یک خواهر یا یک برادر مادری باشد که از پدر با میت جداست تمام مال به او می‌رسد و اگر چند برادر مادری، یا چند خواهر مادری، یا چند برادر و خواهر مادری باشند، در هر صورت مال بطور مساوی میان آنها تقسیم می‌شود.

مسئله ۲۳۶۸ - اگر وارث برادر و خواهر پدر و مادری و برادر و خواهر پدری و یک برادر و یک خواهر مادری باشند برادر و خواهر پدری ارث نمی‌برند و مال را شش قسمت می‌کنند، یک قسمت آن را به برادر یا خواهر مادری، بقیه را به برادر و خواهر پدر و مادری می‌دهند و هر برادر دو برابر خواهر می‌برد اما اگر بیش از یک برادر یا یک خواهر مادری دارد مال را سه قسمت می‌کنند، یک قسمت آن را برادر و خواهر مادری به طور مساوی میان خودشان تقسیم می‌کنند و دو قسمت را به برادر و خواهر پدر و مادری می‌دهند و سهم هر برادر دو برابر خواهر است.

مسئله ۲۳۶۹ - هرگاه وارث فقط برادر و خواهر پدری و یک برادر یا خواهر مادری باشد، مال را شش قسمت می‌کنند، یک قسمت آن را برادر یا خواهر مادری می‌برد و پنج قسمت دیگر به برادر و خواهر پدری می‌رسد و هر برادر دو برابر خواهر می‌برد.

مسئله ۲۳۷۰ - هرگاه وارث فقط برادر و خواهر پدری و دو یا چند برادر و خواهر مادری باشد، مال را سه قسمت می‌کنند، یک قسمت آن را برادر و خواهر مادری به طور مساوی تقسیم می‌کنند و دو قسمت به برادر و خواهر پدری می‌رسد و سهم هر برادر دو برابر خواهر است.

مسئله ۲۳۷۱ - هرگاه وارث فقط برادر و خواهر و همسر او باشند، همسر ارث خود را به تفصیلی که در مسائل آینده گفته می‌شود می‌برد و خواهر و برادر به طوری که در مسائل

گذشته گفته شد ارث خود را می‌برند، ولی برای آنکه زن یا شوهر ارث می‌برد از سهم برادر و خواهر مادری چیزی کم نمی‌شود، ولی از سهم برادر و خواهر پدر و مادری یا پدری کم می‌شود، مثلاً اگر وارث میت شوهر و برادر و خواهر مادری و برادر و خواهر پدر و مادری او باشند، نصف مال به شوهر می‌رسد و یک قسمت از سه قسمت اصل مال به برادر و خواهر مادری و یاقیمانده سهم برادر و خواهر پدر و مادری است، مثلاً اگر تمام مال شش تومان باشد، سه تومان به شوهر، و دو تومان به برادر و خواهر مادری و یک تومان به برادر و خواهر پدر و مادری می‌رسد.

مسألة ۲۳۷۲ - در صورتی که میت خواهر و برادر نداشته باشد، سهم آنان به اولادشان می‌رسد، سهم برادرزاده و خواهرزاده مادری بطور مساوی بین آنها تقسیم می‌شود و سهم برادرزاده و خواهرزاده پدری یا پدر و مادری چنان تقسیم می‌شود که پسر دو برابر دختر می‌برد، ولی اگر برادرزاده پدری، یا پدر و مادری، همه از یک برادر باشند احتیاط آن است که در مقدار تفاوت میان پسر و دختر، با هم مصالحه کنند.

مسألة ۲۳۷۳ - هرگاه وارث فقط یک جد یا یک جدّه است، چه پدری باشد یا مادری همه مال به او می‌رسد و با وجود جدّ میت، پدر جدّ او ارث نمی‌برد.

مسألة ۲۳۷۴ - هرگاه وارث میت فقط جدّ و جدّه پدری باشند، مال سه قسمت می‌شود دو قسمت را جدّ و یک قسمت را جدّه می‌برد و اگر جدّ و جدّه مادری باشند مال به طور مساوی میان آنها تقسیم می‌شود.

مسألة ۲۳۷۵ - اگر وارث فقط یک جدّ یا جدّه پدری و یک جدّ و جدّه مادری باشد، مال سه قسمت می‌شود، دو قسمت سهم جدّ یا جدّه پدری است و یک قسمت سهم جدّ یا جدّه مادری.

مسألة ۲۳۷۶ - هرگاه وارث جدّ و جدّه پدری و جدّ و جدّه مادری باشد مال سه قسمت می‌شود یک قسمت آن را جدّ و جدّه مادری، به طور مساوی بین خود تقسیم می‌کنند و دو قسمت آن را جدّ و جدّه پدری طوری تقسیم می‌کنند که سهم جدّ دو برابر جدّه باشد.

مسألة ۲۳۷۷ - اگر وارث فقط زن یا شوهر و جدّ و جدّه پدری و جدّ و جدّه مادری او باشند، زن یا شوهر، ارث خود را به شرحی که در مسائل آینده خواهد آمد می‌برند و یک قسمت از سه قسمت اصل مال را به جدّ و جدّه مادری می‌دهند که به طوری مساوی میان

خود تقسیم می‌کنند و بقیه به جدّ و جدّه پدری می‌رسد و سهم جدّ دو برابر جدّه است. **مسألة ۲۳۷۸** - اگر وارث، جدّ یا جدّه مادری (یا هر دو) یا برادران مادری باشد، جدّ در حکم یک برادر و جدّه در حکم یک خواهر است و مال را میان خود به طور مساوی تقسیم می‌کنند و اگر وارث جدّ و جدّه پدری (یا پدر و مادری) یا برادران پدری (یا پدری و مادری) باشند جدّ، حکم یک برادر و جدّه، حکم یک خواهر را دارد و ارث را در میان خود چنان تقسیم می‌کنند که سهم هر مرد دو برابر سهم زن شود.

ارث گروه سوم

مسألة ۲۳۷۹ - گروه سوم عمو و عمه و دایی و خاله و اولاد آنان است که اگر از گروه اول و دوم کسی نباشد آنها ارث می‌برند.

مسألة ۲۳۸۰ - هرگاه وارث فقط یک عمو یا یک عمه است، چه پدر و مادری باشد (یعنی با پدر میت از یک پدر و مادر باشد) یا پدری فقط، یا مادری، تمام مال به او می‌رسد و اگر چند عمو و چند عمه باشند و همه پدر و مادری یا پدری باشند مال به طور مساوی میان آنها تقسیم می‌شود، ولی اگر عمو و عمه هر دو باشند (و همه پدر و مادری یا پدری باشند) عمر دو برابر عمه می‌برد.

مسألة ۲۳۸۱ - هرگاه وارث فقط چند عمو یا چند عمه مادری باشد مال به طور مساوی بین آنها تقسیم می‌شود، ولی اگر فقط چند عمو و عمه مادری داشته باشد بنا بر احتیاط واجب باید در تقسیم مال با هم مصالحه کنند.

مسألة ۲۳۸۲ - هرگاه وارث عمو و عمه باشد و بعضی پدری و بعضی مادری و بعضی پدر و مادری باشند، عمو و عمه پدری ارث نمی‌برند، سپس اگر میت تنها یک عمو یا یک عمه مادری دارد مال را شش قسمت می‌کنند یک قسمت را به عمو یا عمه مادری و بقیه را به عمو و عمه پدر و مادری می‌دهند (به طوری که سهم عمو دو برابر عمه باشد) و اگر میت عمو و عمه مادری متعدد دارد (دو عمو یا دو عمه یا یک عمو و یک عمه مادری) مال را سه قسمت می‌کنند، دو قسمت را عمو و عمه پدر و مادری می‌برند (عمو دو برابر عمه) و یک قسمت را عمو و عمه مادری و احتیاط واجب آن است که در تقسیم با یکدیگر مصالحه کنند.

مسألة ۲۳۸۳ - هرگاه وارث فقط یک دایی یا یک خاله باشد همه مال به او می رسد، و اگر هم دایی و هم خاله باشد (و همه پدر و مادری یا پدری یا مادری باشند) مال به طور مساوی میان آنها قسمت می شود و احتیاط مستحب آن است که با یکدیگر مصالحه کنند.

مسألة ۲۳۸۴ - هرگاه وارث، فقط یک دایی، یا یک خاله مادری، و دایی و خاله پدر و مادری، دایی و خاله پدری باشد، دایی و خاله پدری ارث نمی برند و مال را شش قسمت می کنند یک سهم به دایی و خاله مادری و بقیه به دایی و خاله پدر و مادری می رسد و آنها به طور مساوی تقسیم می کنند.

مسألة ۲۳۸۵ - هرگاه وارث فقط دایی و خاله پدری و دایی و خاله مادری و دایی و خاله پدر و مادری باشد، دایی و خاله پدری ارث نمی برند و باید مال را سه قسمت کنند، یک سهم آن را دایی و خاله مادری به طور مساوی تقسیم می کنند و بقیه به دایی و خاله پدر و مادری می رسد، آنها هم به طور مساوی میان خود تقسیم می کنند.

مسألة ۲۳۸۶ - هرگاه وارث یک دایی یا یک خاله و یک عمو یا یک عمه باشد، مال را سه قسمت می کنند، یک سهم را دایی یا خاله، دو سهم را عمو یا عمه می برد.

مسألة ۲۳۸۷ - اگر وارث یک دایی یا یک خاله و عمو و عمه باشد، چنانچه عمو و عمه پدر و مادری یا پدری، باشند مال را سه قسمت می کنند یک قسمت را دایی یا خاله می برد و از بقیه دو قسمت به عمو و یک قسمت به عمه می دهند، بنابراین اگر مال را نه سهم کنند سه سهم به دایی یا خاله و چهار سهم به عمو و دو سهم به عمه می رسد.

مسألة ۲۳۸۸ - اگر وارث، یک دایی یا یک خاله و یک عمو یا یک عمه مادری و عمو و عمه پدر و مادری یا پدری باشد، مال را سه قسمت می کنند یک قسمت آن را به دایی یا خاله می دهند و دو قسمت باقیمانده را شش سهم می کنند یک سهم را به عمو یا عمه مادری و پنج سهم را به عمو یا عمه پدر و مادری می دهند و عمو دو برابر عمه می برد.

مسألة ۲۳۸۹ - هرگاه وارث، یک دایی یا یک خاله و عمو و عمه مادری و عمو و عمه پدری و مادری یا پدری باشد مال را سه قسمت می کنند، یک قسمت را دایی یا خاله می برد و دو قسمت باقی مانده را سه سهم می کنند، یک سهم آن را به عمو و عمه مادری می رسد (و بنا بر احتیاط واجب در تقسیم با هم مصالحه می کنند) و دو سهم دیگر را میان

عمو و عمه پدر و مادری یا پدری قسمت می نمایند و همو دو برابر عمه می برد.

مسألة ۲۳۹۰ - هرگاه وارث، چند دایی و چند خاله باشد که همه پدر و مادری، یا پدری، یا مادری باشند و میت عمو و عمه هم داشته باشد، مال را سه سهم می کنند، دو سهم آن به دستوری که در مسألة پیش گفته شد همو و عمه بین خودشان تقسیم می کنند و یک سهم آن را دائی ها و خاله ها به طور مساوی میان خود قسمت می نمایند.

مسألة ۲۳۹۱ - هرگاه وارث، دائی یا خاله مادری و چند دائی و خاله پدر و مادری یا پدری و همو و عمه باشد، مال سه سهم می شود دو سهم آن به دستوری که قبلاً گفته شد میان عمو و عمه تقسیم می شود و در مورد یک سهم باقی مانده اگر میت یک دائی یا یک خاله مادری دارد آن را شش قسمت می کند یک قسمت را به دائی یا خاله مادری می دهند، و بقیه را به دائی و خاله پدر و مادری یا پدری و آنها به طور مساوی قسمت می کنند و اگر چند دائی مادری یا چند خاله مادری، یا هم دائی مادری و هم خاله مادری دارد، آن یک سهم را سه قسمت می کنند، یک قسمت را دائیها و خاله های مادری به طور مساوی تقسیم می کنند و بقیه به دائی و خاله پدر و مادری یا پدری می رسد که آنها نیز به طور مساوی قسمت می کنند.

مسألة ۲۳۹۲ - اگر میت عمو و عمه و دائی و خاله نداشته باشد، سهم عمو و عمه به اولاد آنها و سهم دائی و خاله نیز به اولاد آنها می رسد.

مسألة ۲۳۹۳ - هرگاه وارث میت عمو و عمه و دائی و خاله پدر و عمو و عمه و دائی و خاله مادر او باشد، مال او سه سهم می شود، یک سهم به عمو و عمه و دائی و خاله مادر میت می رسد (و آنها بنا بر احتیاط واجب در تقسیم آن مصالحه می کنند) و دو سهم دیگر را سه قسمت می کنند، یک قسمت را دائی و خاله پدر میت، به طور مساوی میان خود تقسیم می کنند و دو قسمت دیگر آن به عمو و عمه پدر میت می رسد (و سهم عمو دو برابر عمه است).

مسألة ۲۳۹۴ - سهم ارث عمو و عمه و دائی و خاله را (در صورتی که همه پدر و مادری باشند که غالباً چنین هستند) می توان چنین خلاصه کرد: به یک عمو یا یک عمه تمام مال می رسد و اگر وارث چند عمو یا چند عمه باشند به طور مساوی می برند و اگر هم عمو و هم عمه باشند عمو دو برابر عمه می برد و اگر یک دائی یا یک خاله باشد تمام مال به او

می‌رسد و اگر چند دائی یا چند خاله باشند، یا هم دائی و خاله باشند مال را به طرز مساوی تقسیم می‌کنند و هرگاه عمو و عمه و دائی و خاله باشند، عمو و عمه دو سهم می‌برند و دائی و خاله یک سهم و هر عمو دو برابر عمه می‌برد، اما سهم دائی و خاله مساوی است.

ارث زن و شوهر

مسألة ۲۳۹۵ - هرگاه زن دائمی از دنیا برود و اولاد نداشته باشد نصف تمام مال او به شوهر می‌رسد و بقیه را ورثه دیگر می‌برند و اگر از آن شوهر یا از شوهر دیگری اولاد داشته باشد یک چهارم تمام مال او به شوهرش می‌رسد و بقیه به وارثان دیگر.

مسألة ۲۳۹۶ - هرگاه مردی از دنیا برود و فرزند نداشته باشد، یک چهارم مال او را همسر دائمی او می‌برد و بقیه را ورثه دیگر و هرگاه از آن زن یا از زن دیگر فرزند داشته باشد، یک هشتم مال به زن او می‌رسد و بقیه به وارثان دیگر.

مسألة ۲۳۹۷ - زن از تمام اموال منقول شوهر ارث می‌برد، ولی از زمین و قیمت آن ارث نمی‌برد خواه زمین خانه باشد یا باغ، یا زمین زراعتی و مانند آن و تیز از خود هوایی ساختمان ارث نمی‌برد مثل بنا و درخت، اما باید هوایی را قیمت کنند و از قیمت آن سهم ارث او را بدهند.

مسألة ۲۳۹۸ - هرگاه زن بخواهد در چیزی که از شوهرش ارث نمی‌برد (مانند زمین و بنای خانه) تصرف کند باید از ورثه دیگر اجازه بگیرد، همچنین ورثه دیگر تا سهم زن را از قیمت هوایی نداده‌اند (مانند بنای خانه) نباید بدون اجازه زن در آن تصرف کنند و چنانچه پیش از دادن سهم زن، آنها را بفروشند، در صورتی که زن معامله را اجازه دهد صحیح و گرفته نسبت به سهم او باطل است.

مسألة ۲۳۹۹ - اگر بخواهند بنا و درخت و مانند آن را قیمت کنند باید چنین حساب کنند که اگر آنها با دادن مال الاجاره در آن زمین یا فی بماند چه قدر ارزش دارد، پس سهم زن را از قیمت آن بدهند.

مسألة ۲۴۰۰ - مجرای آب قنات و مانند آن حکم زمین را دارد و آجر و چیزهایی که در آن به کار رفته در حکم ساختمان است.

مسألة ۲۴۰۱ - اگر میت بیش از یک زن داشته باشد در صورت نداشتن فرزند چهار یک

اموال او و در صورت داشتن فرزند، هشت یک آن به شرحی که در بالا گفته شد به طور مساوی میان زنان او تقسیم می شود، خواه شوهر با آنها نزدیکی کرده باشد یا نه اما اگر در مرضی که به آن مرض از دنیا رفته زنی را عقد کرده، در صورتی ارث از او می برد که با او نزدیکی کرده باشد.

مسئله ۲۴۰۲ - هرگاه زن در حال بیماری، شوهر کند و با همان بیماری از دنیا برود شوهرش از او ارث می برد، خواه نزدیکی کرده باشد یا نه.

مسئله ۲۴۰۳ - هرگاه زن را به ترتیبی که در احکام طلاق گفته شد، طلاق رجعی دهد و در بین عده بمیرد شوهر از او ارث می برد، همچنین اگر شوهر در بین عده زن بمیرد زن از او ارث می برد، ولی در عده طلاق بائن هرگاه یکی از آنان بمیرد دیگری از او ارث نمی برد.

مسئله ۲۴۰۴ - هرگاه شوهر در حال بیماری، همسرش را طلاق دهد و پیش از گذشتن یک سال (قمری) از دنیا برود، زن با سه شرط از او ارث می برد: «اول» اینکه شوهر در همان مرض از دنیا برود «دوم» اینکه زن بعد از طلاق و گذشتن عده شوهر نکند «سوم» آنکه طلاق به رضایت زن نباشد و اگر با رضایت او باشد، ارث بردنش مشکل است.

مسئله ۲۴۰۵ - لباس و زینت آلات و مانند آنها که مرده برای همسرش می گیرد مال همسر اوست، مگر اینکه ثابت شود که قصد تملیک نکرده بلکه جنبه هاریتی داشته باشد.

مسائل متفرقه ارث

مسئله ۲۴۰۶ - هرگاه مردی از دنیا برود قرآن، انگشتر و شمشیر و لباسی را که می پوشیده، یا برای پوشیدن آماده کرده، مال پسر بزرگتر اوست و اگر میت از این چهار چیز بیش از یکی دارد، مثلاً دو قرآن یا دو انگشتر دارد چنانچه از همه آنها استفاده می کرده همه به پسر بزرگترش می رسد.

مسئله ۲۴۰۷ - هرگاه میت قرض داشته باشد، چنانچه قرضش به اندازه مال او یا زیاده از آن باشد، چهار چیزی که در مسئله قبل گفته شد به پسر بزرگترش نمی رسد و باید به قرض او بدهند، ولی اگر اموالش بیشتر باشد و بتوان قرض او را داد و مقدار قابل توجهی هم برای ورثه باقی می ماند، باید آن چهار چیز را به پسر بزرگترش داد.

مسئله ۲۴۰۸ - مسلمانان از کافر ارث می برد، ولی کافر اگر چه پدر یا پسر میت باشد از

مسلمان ارث نمی برد.

مسألة ۲۴۰۹ - هرگاه کسی یکی از خویشاوندان خود را عمداً و به ناحق بکشد از او ارث نمی برد، ولی اگر از روی خطا باشد ارث می برد (مثل اینکه سنگی به هوا پرتاب کند و اتفاقاً به یکی از خویشان او برخورد و او را به قتل برساند) و در این صورت از دیه قتل بنا بر احتیاط ارث نمی برد.

مسألة ۲۴۱۰ - هرگاه از میت فرزندی در شکم مادر باشد و در طبقه او وارث دیگری نیز مانند اولاد و پدر و مادر وجود داشته باشد، باید هنگام تقسیم برای بچه‌ای که در شکم مادر است سهم دو پسر را کنار بگذارند، هرگاه زنده به دنیا آمد ارث می برد و چنانچه مثلاً یک پسر یا یک دختر به دنیا آید زیادی را ورثه بین خودشان تقسیم می کنند و اگر در طبقه او وارث دیگری نباشد هرگاه حامل زنده متولد شود تمام مال به او می رسد و آلا میان سایر ورثه تقسیم می گردد.

* * *

احکام دفاع و امر به معروف و نهی از منکر

مسألة ۲۴۱۱ - دفاع بر همه مسلمانان در برابر هجوم دشمنان به بلاد اسلام و مرزهای آن واجب است از طریق بذل مال یا جان یا هر وسیله دیگر و در این امر احتیاج به اذن حاکم شرع نیست، ولی برای نظم و هماهنگی برنامه‌های دفاعی باید در صورت امکان فرماندهان آگاه و مورد اعتمادی را با نظر حاکم شرع تعیین کنند.

مسألة ۲۴۱۲ - هرگاه مسلمانان از این بیم داشته باشند که اجانب نقشه استیلاء بر ممالک اسلامی را کشیده و بدون واسطه یا به واسطه عمال خود از داخل یا خارج آن را عملی کنند بر همه مکلفین واجب است به هر وسیله‌ای که امکان دارد در برابر آن بایستند و از ممالک اسلامی دفاع کنند.

مسألة ۲۴۱۳ - اگر به واسطه توسعه نفوذ سیاسی یا اقتصادی و تجاری بیگانگان، خوف آن باشد که آنها بر ممالک اسلامی تسلط پیدا کنند، بر همه واجب است که از نفوذ آنان

جلوگیری نموده، ایادی آنها را قطع کنند، همچنین در مورد برقرار ساختن روابط سیاسی با دولتهای غیر اسلامی باید طوری باشد که موجب ضعف و ناتوانی مسلمین یا اسارت آنها در چنگال بیگانگان یا وابستگی اقتصادی و تجاری نگردد.

مسأله ۲۴۱۴ - امر به معروف و نهی از منکر بر تمام افراد عاقل و بالغ با شرایط زیر واجب است:

۱ - کسی که می خواهد امر و نهی کند باید یقین داشته باشد که طرف مقابل مشغول انجام حرام یا ترک واجبی است ۲ - احتمال دهد که امر و نهی او اثر دارد، خواه اثر فوری داشته باشد یا غیر فوری، کامل یا ناقص، بنابراین اگر بداند هیچ اثر نمی کند واجب نیست. ۳ - در امر و نهی او مفسده و ضرری نباشد، پس اگر بداند یا خوف این باشد که امر یا نهی او ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی قابل توجه نسبت به او یا بعضی از مؤمنین می رساند واجب نیست، ولی اگر معروف و منکر از اموری باشد که شارع مقدس اسلام اهمیت زیادی به آن می دهد (مانند حفظ اسلام و قرآن و استقلال ممالک اسلامی، یا حفظ احکام ضروری اسلام)، باید اعتنا به ضرر نکند و با بذل جان و مال در حفظ آنها بکوشد.

مسأله ۲۴۱۵ - هرگاه بدعتی در اسلام واقع شود (مانند منکراتی که دولتهای ناصالح به نام اسلام انجام می دهند) بر همه، مخصوصاً علمای دین واجب است حق را اظهار و باطل را انکار کنند و اگر سکوت علمای دین موجب هتک مقام علم، یا سوءظن به علمای اسلام شود، اظهار حق به هر نحوی که ممکن باشد واجب است، هر چند بداند تأثیر نمی کند.

مسأله ۲۴۱۶ - هرگاه احتمال صحیح داده شود که سکوت، سبب می شود که عمل منکری معروف، یا عمل معروفی منکر شود، بر همه مخصوصاً علمای اسلام واجب است که حق را اظهار و اعلام کنند و سکوت جایز نیست.

مسأله ۲۴۱۷ - هرگاه سکوت علمای اسلام یا غیر آنها موجب تقویت ظالم یا تأیید او شود، یا سبب جرأت او بر سایر مجرمات گردد، واجب است اظهار حق و انکار باطل کنند، هر چند تأثیر فوری نداشته باشد.

مسأله ۲۴۱۸ - اگر داخل شدن بعضی از مؤمنین یا علمای اسلام در دستگاههای ظلمه سبب جلوگیری از مفاسد یا متکرات می شود واجب است قبول این کار، مگر آنکه مفسده مهمتری در آن باشد، مثل اینکه باعث سستی عقاید مردم، یا سلب اعتماد آنها از علمای

دین گردد که در این صورت جایز نیست.

مسألة ۲۴۱۹ - امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد که بعضی از این مراتب، احتیاج به اجازه حاکم شرع ندارد و بعضی دارد، آنچه احتیاج به اجازه حاکم شرع ندارد همان امر به معروف با زبان و دل و نصیحت کردن یا اعراض و بی اعتمادی و ترک مراوده نمودن است و اگر تأثیر نکرد جایز است با کلمات تند و خشن که خالی از گناه باشد یا با توسل به زور، به این طریق که جلو فرد گناهکار را بگیرد، یا وسائل گناه را از دسترس او خارج سازد، اقدام نماید ولی اگر برای امر به معروف و نهی از منکر لازم شود که متوسل به ضرب و جرح یا اتلاف اموال و بالاتر از آن گردد در این صورت هیچ کس بدون اجازه حاکم شرع حق اقدام ندارد، بلکه باید اصل کار و مقدار و اندازه آن طبق ضوابط اسلامی با نظر حاکم شرع تعیین گردد.



مسائل تازه‌ای که در زمان ما مورد نیاز است (مسائل مستحدثه)

۱ - معاملات بانکی و صندوقهای قرض الحسنه

مسألة ۲۴۲۰ - پولهایی را که مردم به عنوان حساب جاری به بانکها می‌سپارند صورت قرض الحسنه به بانک دارد که هر وقت می‌نوانند آن را بگیرند و اگر سودی در مقابل آن قرار دهند حرام است و قرض هم باطل است و بانک نمی‌تواند در آن تصرف کند.

مسألة ۲۴۲۱ - سپرده‌های کوتاه مدت و دراز مدت مردم، نزد بانکها و سودی که بانک به آن می‌دهد، در صورتی حلال است که مطابق موازین شرعی و از طریق قراردادهای عقود اسلامی (از قبیل مضاربه و شرکت و امثال آن) باشد و دهنده پول یقین داشته باشد با احتمال قابل ملاحظه دهد که بانک به عنوان وکالت از طرف مشتری این قراردادها را به صورت شرعی انجام می‌دهد، اما اگر یقین دارد که این امور جنبه ظاهری و صوری دارد و فقط روی کاغذ است، آن سود حرام است.

مسألة ۲۴۲۲ - آنچه اشخاص از بانکها به عنوان قرض الحسنه یا غیر آن می‌گیرند و اضافه‌ای می‌پردازند در صورتی حلال است که معامله به صورت شرعی انجام گیرد و جنبه ربا نداشته باشد.

مسألة ۲۴۲۳ - اگر انسان بداند در بانک پول حلال و حرام هر دو وجود دارد ولی نداند پولی را که از بانک می‌گیرد از پولهای حرام است یا نه، گرفتن آن اشکالی ندارد، ولی اگر مطمئن باشد از پول حرام است تصرف در آن جایز نیست و حکم مجهول‌المالک را دارد که باید بنابر احتیاط واجب به اجازه حاکم شرع از طرف صاحب اصلیش در راه خدا صدقه دهد و در این مسئله فرقی میان بانکهای داخلی و خارجی دولتی و غیر دولتی نیست.

مسألة ۲۴۲۴ - گرفتن سود از بانکهای خارجی و غیر مسلمان اشکال ندارد، ولی از بانکهای مسلمان حرام است.

مسألة ۲۴۲۵ - حواله‌های بانکی یا تجاری که به آنها صرف برات گفته می‌شود مانعی ندارد، یعنی بانک یا تاجر پولی را از کسی در محلی می‌گیرد و حواله می‌دهد که از بانک یا طرفش در محل دیگر به آن شخص بپردازند و در مقابل این حواله از صاحب پول چیزی می‌گیرد، این معامله حلال است خواه حق حواله را از خود آن پول کم کند، یا جداگانه بگیرد، همچنین اگر بانک یا مؤسسه دیگر، پولی را به شخص بدهد و حواله کند که این شخص پول را در محل دیگر به شعبه بانک و یا شخص معینی بپردازد و اگر مقداری به عنوان حق زحمت در این حواله بگیرد نیز، اشکال ندارد.

مسألة ۲۴۲۶ - بانکهای رهنی و غیر آنها اگر قرض بدهند به شرط سود و چیزی را رهن بگیرند، هم قرض باطل و حرام است و هم رهن و بانک حق ندارد مالی را که رهن گذارده اند برای گرفتن حق خود بفروشد و نیز اگر کسی آن را بخرد مالک نمی‌شود.

مسألة ۲۴۲۷ - چیزی را که صندوقهای قرض الحسنه به عنوان کارمزد و حق الزحمه در برابر خدماتی که برای نگهداری حساب اقساط و امثال این امور می‌گیرند اشکال ندارد، ولی احتیاط واجب آن است که این مبلغ متناسب با زحمات و هزینه‌های بانک باشد، نه اینکه همان سود پول را به نام کارمزد بگیرد.

مسألة ۲۴۲۸ - بعضی از صندوقهای قرض الحسنه مقداری از سرمایه خود را در کارهای تجاری یا تولیدی به کار می‌گیرند، تا از درآمد آن هزینه‌های صندوق یا سوخت و سوز

وامها را تأمین کنند، این کار در صورتی جایز است که صاحبان پول از این جریان با خبر بوده و اجازه داده باشند و درآمد حاصل شده نیز تنها صرف هزینه‌های بانک شود.

۴ - احکام سفته

مسألة ۲۴۲۹ - «سفته» به ورقه‌ای می‌گویند که پول نیست بلکه سند بدهکاری است، به همین جهت معامله به خود آن واقع نمی‌شود و آن بر دو قسم است: ۱ - «سفته حقیقی» که شخص بدهکار در مقابل بدهی خود به طلبکار می‌دهد ۲ - «سفته دوستانه» که شخص به دیگری می‌دهد بی آنکه در مقابلش بدهکاری داشته باشد و مقصود آن است که این سفته را به شخص سومی بدهد و مقداری از مبلغ آن را کم کرده پول نقد بگیرد.

مسألة ۲۴۳۰ - «سفته حقیقی» را اگر کسی با دیگری به مبلغی کمتر معامله کند مثل اینکه سفته هزار تومانی را که سه ماه مدت دارد به نهصد تومان پول نقد معامله نماید و در حقیقت یک هزار تومان اسکناسی را که در ذمه بدهکار، طلب دارد به نهصد تومان پول نقد می‌فروشد، اینگونه معامله سفته اشکال ندارد (و آن را تنزیل سفته گویند) ولی معامله روی سفته دوستانه خالی از اشکال نیست، چون بدهی واقعی در آن جا وجود ندارد و راههایی که برای حل مشکل آن ذکر شده هیچ کدام خالی از اشکال نمی‌باشد.

مسألة ۲۴۳۱ - هرکسی امضاء او در سفته باشد حق رجوع به او هست، یعنی اگر سفته دهنده بدهکاری خود را به موقع ندهد طلبکار حق دارد طلب خود را از کسانی که امضاء آنها در سفته است بگیرد و در واقع کسانی که سفته را امضاء می‌کنند ضامن بدهکار می‌شوند که اگر او نپرداخت آنها بپردازند (این نوع ضمان را ضم ذمه به ذمه می‌گویند و چنان که بر احکام ضمان گفتیم صحیح است).

مسألة ۲۴۳۲ - معاملات ارضی جایز است، یعنی می‌توان اسکناس ایرانی را به لیره سوری یا ریال سعودی یا مارک یا دلار معامله کرد و کم و زیاد در آن اشکالی ندارد، ولی اگر کسی پولی را به دیگری قرض بدهد خواه پول ایرانی باشد یا پول خارجی فقط همان مقدار را می‌تواند از او بگیرد و زیادتر از آن ربا و حرام است و اگر کسی مقداری پول خارجی مثلاً یکصد مارک به دیگری وام بدهد، بعد ناچار شود در مقابل آن ریال ایرانی تحویل دهد باید به نرخ بازار متعارف و معمول حساب کند، مگر اینکه طلبکار به کمتر از آن راضی شود.

۳ - معاملات سر قفلی

مسألة ۲۴۳۳ - سر قفلی عبارت است از حق اولویتی که مستأجر بر ملک پیدا می کند در مقابل پولی که به مالک در اول کار می پردازد و مطابق آن شخص مستأجری که سر قفلی پرداخته در اجاره کردن آن ملک، اولی از دیگران است. سر قفلی در سابق وجود نداشت و امروز در میان عقلای اهل عرف وجود دارد و با شرایط زیر صحیح است:

مقدار سر قفلی باید معلوم باشد و طرفین با میل و رضایت خود معامله را انجام دهند و بالغ و عاقل و رشید باشند و معنی سر قفلی و لوازم آن را بدانند.

مسألة ۲۴۳۴ - صاحب ملک می تواند ملک خود را به دیگری اجاره دهد و علاوه بر مال الاجاره از او سر قفلی بگیرد، در این صورت ملکی را که اجاره داده نمی تواند به دیگری اجاره دهد، هر چند مدت اجاره تمام شده باشد، ولی اگر مستأجر اول که سر قفلی پرداخته موافقت کند می تواند به دیگری اجاره دهد، مستأجر اول نیز حق دارد سر قفلی آن ملک را به دیگری واگذار کند، خواه به قیمتی بیشتر و یا کمتر باشد.

مسألة ۲۴۳۵ - هرگاه مدت اجاره ملکی که سر قفلی آن گرفته شده تمام شود مالک موظف است را به همان مستأجر یا شخص دیگری که او موافقت کند اجاره دهد و مقدار مال الاجاره به قیمت عادلانه روز با نظر کار شناس مورد اطمینان خواهد بود.

مسألة ۲۴۳۶ - کسی که ملکی را اجاره کرده و سر قفلی نپرداخته هنگامی که مدت اجاره به سر رسید حق ندارد بدون اذن صاحب ملک در آن جا اقامت کند و اگر آن را تخلیه نکند غاصب و ضامن ملک و ضامن مثل مال الاجاره است، خواه اجاره اول کوتاه باشد یا طولانی و خواه در مدت اجاره ارزش ملک بالا رفته باشد یا نه و اگر کسی ملک را از چنین شخصی اجاره کند اجاره اش صحیح نیست، مگر اینکه صاحب ملک رضایت دهد.

مسألة ۲۴۳۷ - هرگاه کسی ملکی را با دادن سر قفلی به صاحب آن برای مدتی اجاره کند مادام که وقت اجاره او تمام نشده است می تواند ملک را به دیگری با همان مبلغ اجاره دهد، ولی حق سر قفلی را به هر مقداری که با یکدیگر توافق کنند می تواند بگیرد و موافقت صاحب ملک نیز در انتقال اجاره شرط است، مگر اینکه از اول، این حق به مستأجر واگذار شده باشد.

۴ - احکام بیمه

مسئله ۲۴۳۸ - بیمه قرار دادی است بین بیمه کننده و شرکت یا شخص بیمه گر و بر این اساس است که در برابر پولی که به آن شرکت یا آن شخص می دهد خسارتهای وارده بر انسان یا چیزی را جبران کند و این معامله و قرار داد مستقلاً است که با شرایطی که در مسائل آینده می آید صحیح است، چه بیمه کالاهای تجارتهای باشد، یا ساختمانها و بناها، کشتی ها و هواپیماها، یا بیمه کارمندان و کارگران، یا بیمه عمر و مانند آن که در عرف عقلاء معمول است.

مسئله ۲۴۳۹ - طرفین بیمه، باید بالغ و عاقل باشند و قرار داد بیمه را از روی اراده و اختیار انجام دهند و هیچ کدام سفیه نباشند، علاوه بر این باید تمام خصوصیات را معین کنند از جمله: ۱ - تعیین مورد بیمه که فلان وسیله نقلیه یا فلان ساختمان و فلان شخص است ۲ - تعیین دو طرف قرار داد ۳ - تعیین اقساط و مبلغی را که بیمه کننده باید بپردازد ۴ - تعیین زمان بیمه که مثلاً از فلان روز تا یک سال است ۵ - تعیین خطرهایی که موجب خسارت می شود، مانند خطر آتش سوزی یا بمباران یا غرق شدن یا سرقت یا وفات یا بیماری، یا هرگونه خطر دیگر ۶ - تعیین سقف قیمت چیزی که بیمه شده مثلاً فلان خانه به مبلغ دو میلیون تومان یا کمتر یا بیشتر بیمه شده است، یا به قیمت عادلانه روز و مانند آن و به هر حال باید اصول کلی که در بیمه در میان عرف عقلاء رایج است رعایت شود.

مسئله ۲۴۴۰ - صیغه عقد بیمه را می توان با هر زبانی اجرا کرد و با قرارداد بیمه را روی کاغذ آورد و آن را امضاء نمود.

۵ - احکام تلقیح (بارور نمودن زن)

مسئله ۲۴۴۱ - جایز است نطفه مرد را در رحم همسر او یا سرتنگ یا وسایل دیگر وارد کنند، لکن باید مقدمات آن مشروع و حلال باشد و از مقدمات حرام پرهیز شود.

مسئله ۲۴۴۲ - هرگاه نطفه مرد را در رحم همسرش وارد کنند (خواه با استفاده از مقدمات حلال باشد یا حرام) فرزندی که از او متولد می شود حلال زاده است و متعلق به آن مرد و زن می باشد و تمام احکام فرزند را دارد (مانند ارث و نفقه و غیر آن).

مسئله ۲۴۴۳ - جایز نیست نطفه مرد بیگانه را در رحم زنی وارد کنند، خواه با اجازه آن زن

باشد یا نه و خواه شوهر داشته باشد یا نه و خواه شوهرش اجازه بدهد یا نه و هرگاه چنین کنند و بچه‌ای از آن متولد شود اگر این عمل به طور شبهه انجام شده مثل اینکه گمان می‌کرد زن خود اوست و زن نیز گمان می‌کرد نطفه شوهر اوست و بعد از آن معلوم شد چنین نبوده است، در این صورت بچه متعلق به آن زن و مرد است و تمام احکام فرزندان را دارد، ولی اگر این کار از روی علم و عمد انجام گیرد بچه‌ای که از آن متولد می‌شود فرزندان آنها حساب نمی‌شود و احکام ارث و مانند آن را ندارد، اما اگر آن بچه دختر باشد صاحب آن نطفه نمی‌تواند با او ازدواج کند و اگر پسر باشد با آن مادر نمی‌تواند ازدواج کند و همچنین در مورد سایر مسائل مربوط به ازدواج.

۶ - احکام پیوند اعضاء و تشریح

مسألة ۲۴۴۴ - پیوند قلب، یا کلیه، یا اعضاء دیگر جایز است، خواه آن عضو از انسان زنده ای گرفته شده باشد یا از میت و خواه آن میت، میت مسلمان باشد یا غیر مسلمان، ولی در صورتی می‌توان آن عضو را از بدن «میت مسلمان» قطع کرد و به بدن دیگری پیوند زد که حفظ جان مسلمان موقوف بر این پیوند باشد، همچنین اگر حفظ عضو مهمی مانند چشم موقوف به همین کار باشد و در هر صورت احتیاط آن است که قطع کننده عضو میت مسلمان، دیه قطع عضو را مطابق آنچه در کتابهای فقهی مفصل آمده است بپردازد.

مسألة ۲۴۴۵ - هرگاه خود میت در حال حیات اجازه داده باشد که اعضای او را برای پیوند در اختیار دیگران بگذارند یا اولیاء میت بعد از وفات او اجازه دهند، حکم دیه و سایر احکام تغییر نمی‌کند و احتیاط آن است که دیه را در هر حال بپردازند.

مسألة ۲۴۴۶ - قطع عضوی از بدن یک انسان زنده و پیوند آن به انسان دیگر مانند آنچه در پیوند کلیه معمول است که یکم کلیه از دو کلیه یک انسان زنده را برداشته و به کسی که هر دو کلیه اش فاسد شده است پیوند می‌زنند در صورتی جایز است که با رضایت صاحب آن باشد و جان او به خطر نیفتد و احتیاط آن است اگر پولی در برابر آن می‌گیرد، در مقابل اجازه اقدام به گرفتن عضو از او بگیرد نه خود عضو.

مسألة ۲۴۴۷ - تزریق خون انسانی به انسان دیگر برای درمان بیماری یا جراحی یا نجات جان او جایز است، خواه خون مسلمان باشد یا کافر، مرد باشد یا زن و خرید و فروش خون

برای این منظور مانعی ندارد.

مسألة ۲۴۴۸ - هرگاه عضوی از مرده یا زنده جدا کنند و به دیگری پیوند زنند به طوری که جزء بدن انسان دوم شود، در این صورت نجس و میته نیست و برای نماز هم اشکال ندارد.

مسألة ۲۴۴۹ - تشریح مرده مسلمان برای مقاصد طبی به چند شرط جایز است: ۱ - مقصود یاد گرفتن و تکمیل اطلاعات طبی برای نجات جان مسلمانان بوده باشد و بدون تشریح این مقصود حاصل نشود ۲ - دسترسی به مرده غیر مسلمان نباشد ۳ - به مقدار ضرورت و احتیاج قناعت کند و اضافه بر آن جایز نیست، با چنین شرایطی تشریح جایز بلکه واجب است، اما در مورد مرده غیر مسلمان این شرایط لازم نیست.

مسألة ۲۴۵۰ - دست زدن به مرده‌های که مورد تشریح قرار می‌گیرد در صورتی که مرده مسلمان باشد و آن را غسل داده باشد موجب غسل نمی‌گردد و در غیر اینصورت باید هر بار دست می‌زنند غسل مس میت کنند و اگر موجب عسر و حرج گردد می‌توانند به جای غسل تیمم نمایند، ولی اگر در تشریح فقط روی استخوانهای بدون گوشت، یا قسمتهای گوشتی جدا شده مانند قلب و هروقی و مغز و امثال آن صورت گیرد غسل ندارد و اگر بتوانند از دستکش استفاده کنند در هیچ صورتی غسل ندارد.

مسألة ۲۴۵۱ - تشریح بدن انسان در آنجا که شرعاً جایز است دیه‌ای ندارد.



چند مسألة مهم و مورد ابتلاء

۱ - بقاء بر تقلید میت جایز است و اگر میت اعلم باشد واجب می‌باشد (به صورتی که در بحث تقلید اعلم گفته شد).

۲ - آب مضاف اگر به قدری زیاد باشد که افتادن نجاست در یک سوی آن هرفاً سبب سرایت به سوی دیگر نشود (مانند یک حوض بزرگ از آب مضاف تمام آن با ملاقات نجاست، نجس نمی‌شود).

۳ - هرگاه حیوانی به غیر دستور شرعی ذبح شده باشد پاک است، هر چند خوردن گوشت

آن حرام می باشد، بنابراین پوست و چرم حیواناتی که از ممالک غیر اسلامی می آورند. در صورتی که بدانییم از حیوانات ذبح شده است، پاک است.

۴ - بلاد کبیره شهرهایی است که هر محله آن برای خود شهر مستقلی باشد، اما مثل تهران و مانند آن جزء بلاد کبیره نیست و تمام آن از نظر قصد اقامه با وطن بودن یک محل محسوب می شود.

۵ - کسانی که می خواهند مدت قابل توجهی در یک محل بمانند (مانند طلابی که قصد اقامت چند سال در حوزه علمیه دارند یا مأموران ادارات که مثلاً دو سه سال در یک محل اقامت می کنند و در آنجا مسافر محسوب نمی شوند، اقامتگاه آنها حکم وطن دارد و نمازشان در آنجا تمام است، هر چند قصد ده روز نداشته باشند.

۶ - کسانی که شغلشان سفر است (مانند راننده بیابانی) یا سفر مقدمه شغل آنهاست (مانند کسانی که در یک شهر اقامت دارند و همه روزه برای تدریس یا کار به دیگر شهرهای مجاور می روند) و مجموع رفت و برگشت آنها هشت فرسخ یا بیشتر است، نمازشان تمام و روزه ماه رمضان بر آنها واجب است.

۷ - هرگاه چیزی جزء مؤنه سال گردد، مانند خانه و فرش و وسایل دیگر اگر بعداً آن را بفروشند به قیمت آن خمس نعلق نمی گیرد مخصوصاً اگر بخواهند آن را تبدیل به مثل کنند.

۸ - سر بریدن حیوانات با وسایل ماشینی در صورتی که شرایط شرعی آن مطابق آنچه در بحث ذبح حیوانات گفته شد انجام شود جایز است و چنان حیوانی پاک و حلال است.

۹ - خرید و فروش رادیو و تلویزیون و سایر وسایلی که دارای منافع مباح و مشروع قابل ملاحظه است جایز است.

۱۰ - هرگاه ماهی بعد از افتادن در دام در داخل آب بمیرد، حلال است.

۱۱ - خایله های ربا که قصد جدی در آن نیست، مثل آنچه در میان بعضی معمول است که وامی را به کسی می دهند و بعد سود آن را که چند هزار تومان است با یک سیر نبات مصالحه می کنند باطل و بی اساسی است و مبلغ اضافی ربا محسوب می شود.

۱۲ - معاملات بانکی اعم از سپرده های کوتاه مدت و دراز مدت، یا وامهایی که اشخاص از بانک می گیرند و سودی در مقابل آن در نظر گرفته می شود، در صورتی حلال است که

مطابق موازین شرعی و از طریق قراردادها و عقود اسلامی انجام گیرد و دهنده یا گیرنده پول، یقین داشته باشد یا احتمال عقلایی دهد که متصدی بانک طبق وظیفه خود این کارها را به صورت شرعی انجام می دهد، اما اگر یقین دارد که این امور جنبه ظاهری و صوری دارد و فقط روی کاغذ است آن سود برای طرفین حرام است.

۱۳ - بسیاری از مردم پولی می دهند و خانه ای را رهن می کنند و مال الاجاره خانه تخفیف داده می شود، این کار به یک صورت صحیح است و به یک صورت باطل، هرگاه خانه را اجاره کنند و در ضمن عقد اجاره شرط کنند که فلان مبلغ را به عنوان وام به او بدهد و خانه را رهن بگذارد صحیح است، ولی اگر قبلاً وام و رهن انجام گیرد و ضمن آن شرط شود مال الاجاره تقلیل داده شود حرام و باطل است.

۱۴ - ضمانت دیگری خواه به صورت «نقل ذمه» باشد (یعنی بدهی را به عهده گیرد که بپردازد) یا به صورت «ذمه به ذمه» باشد (یعنی اگر بدهکار نپرداخت او بپردازد) هر دو صورت، صحیح و مشروع است.

۱۵ - اراضی موات یا ثبت دادن ملک کسی نمی شود، بلکه باید آنرا احیاء کند یعنی آماده برای کشت و زرع نماید.

۱۶ - تعزیر منحصر به شلاق زدن نیست، بلکه جریمه های مالی و زندان و حتی معرفی خطاکار در وسایل ارتباط جمعی و یا انواع مختلف توبیخ را نیز شامل می شود (البته انتخاب هر یک از این امور بسته به نظر حاکم شرع و چگونگی جرم و خصوصیات مجرم و سایر امور مربوطه است).

۱۷ - در حجاب اسلامی نوع لباس و رنگ آن تفاوت نمی کند بلکه واجب است پوشاندن تمام بدن غیر از صورت دستها تا مچ، ولی پوشیدن لباسهای زینتی هر چند بدن آشکار نباشد جایز نیست.

۱۸ - شخصیتهای «حقیقی» و «حقوقی» هر دو مالک می شوند و می توانند طرف معامله واقع گردند، بنابراین هر مؤسسه خیریه یا انجمنی که تأسیس گردد و دارای شخصیت حقوقی شود، با اشخاص حقیقی با یک نظر تفاوت نمی کند.

۱۹ - نوشتن و امضاء کردن اسناد در تمام معاملات می تواند جانشین خواندن صیغه لفظی گردد، جز در ازدواج و طلاق که احتیاط واجب آن است که صیغه لفظی خوانده شود.

- ۲۰ - کشیدن سیگار و انواع دخانیات اگر به تصدیق اهل اطلاع ضرر مهمی داشته باشد حرام است، ولی مواد مخدر مطلقاً حرام است.
- ۲۱ - خرید و فروش خون برای نجات جان بیمار جایز است، ولی در مورد خرید و فروش اعضاء بدن مانند کلیه و امثال آن، احتیاط آن است که اگر پولی می خواهند بگیرند در مقابل اجازه برداشتن عضو از بدن شخص دهنده بوده باشد، نه در مقابل خود عضو و اصل این کار در صورتی جایز است که برای دهنده تولید خطر نکند.
- ۲۲ - خریدار و فروشنده در تعیین نرخ کالا آزادند، ولی اگر این آزادی در مواردی سبب فساد و اختلال نظام اقتصادی جامعه اسلامی گردد، حاکم شرع در چنین مواردی می تواند تعیین نرخ کند و مردم را به آن ملزم سازد.
- ۲۳ - دفاع از کشورهای اسلامی واجب است و منحصر به کشوری نیست که انسان در آن زندگی می کند بلکه همه مسلمین دنیا در برابر هجوم اجانب به کشورهای اسلامی یا مقدمات مسلمین باید مدافع یکدیگر باشند.
- ۲۴ - مضاربه آن است که فرد یا افرادی سرمایه گذاری کنند و فرد یا افراد دیگری با آن سرمایه کار کنند و درآمد آن را مطابق قراردادی میان خود تقسیم کنند و هر کدام سهمی از آن را ببرند.
- ۲۵ - لازم نیست مضاربه حتماً با سکه های طلا و نقره باشد بلکه با هر گونه مالی مضاربه صحیح است، همچنین شرط نیست سرمایه گذاری حتماً برای امور تجاری باشد، بلکه سرمایه گذاری در امور تولید (صنعتی، کشاورزی و دامداری و مانند اینها) را شامل می شود، بنابراین خرید سهام کارخانه ها و استفاده از منافع آنها نیز صحیح است.
- ۲۶ - در مضاربه لازم نیست سهم دو طرف حتماً به صورت درصدی از منافع (مانند نصف و ثلث و مانند آن) باشد، بلکه می توان سهم یکی از دو طرف را در مقدار معینی قرار داد، مثلاً گفت در برابر فلان مقدار سرمایه، ده هزار تومان از منافع سهم او می شود، به شرط اینکه مضاربه مزبور سودی بیش از این مقدار داشته باشد وگرنه صحیح نیست.
- ۲۷ - مضاربه ای که بانک با پول افراد انجام می دهند چنانچه شرایط شرعیه بالا در آن رعایت شود و تنها صورت کاغذ بازی نداشته باشد صحیح است و سود حاصل از آن مشروع می باشد.

- ۲۸ - هرگاه خسارتی بدون تقصیر از سوی دکارکننده حاصل شود مربوط به سرمایه است و نمی توان خسارت را بر عهده عامل (کارکننده) قرارداد، یا در میان هر دو تقسیم کرد.
- ۲۹ - وقت اذان صبح (برای نماز و روزه) در شبهای مهتابی و غیر مهتابی یکسان است و معیار، ظاهر شدن نور شفق در افق است، هر چند بر اثر تابش مهتاب نمایان نباشد.
- ۳۰ - تشریح بدن انسان برای مقاصد پزشکی با شرائطی که در مسأله ۲۲۲۹ گفته شد جایز است و حکم دست زدن به این مرده ها در مسئله ۲۴۵۰ بیان شد.
- ۳۱ - «چک» مانند «سفته» بر دو قسم است: گاهی نشانه طلب کسی از دیگری است (مثلاً در برابر خرید جنس از دیگری به او چک داده است) در این صورت، چک مدت دار را می توان به مقداری کمتر از آن با شخص طلبکار تقدماً معامله کرد، یا به شخص ثالثی به مبلغی کمتر فروخت، ولی اگر چک در مقابل طلب نبوده باشد معامله آن اشکال دارد.
- ۳۲ - صندوقهای قرض الحسنه نمی توانند هیچ گونه شرطی در برابر دادن وام بکنند، مثلاً بگویند شرط وام آن است که قبلاً اندوخته ای در آنجا داشته باشند یا به شرط اینکه کارمزدی بدهند بنابراین باید کارمزدی را که می گیرند چیزی جداگانه از وام باشد.
- ۳۳ - در میان مردم معمول است که نخست وامی به صاحب خانه می دهند و خانه را به عنوان رهن می گیرند و در ضمن شرط می کنند که حق سکونت در آن خانه را داشته باشد یا مال الاجاره کمی بدهد، این کار روا و حرام است، راه صحیح این است که نخست خانه را اجاره کند (هر چند به مبلغ کمی باشد) و در ضمن عقد اجاره، شرط کند وامی به فلان مبلغ از سوی مستأجر به مالک داده شود و خانه در مقابل آن رهن باشد، در این صورت روا نیست و حلال است.
- ۳۴ - (نماز جمعه) همانگونه که در مسأله ۶۷۱ گفته شد در عصر معصومین (علیهم السلام) و نائب خاص آنها نماز جمعه واجب عینی است، ولی در زمان قیامت حضرت مهدی - ارواحنا فداه - واجب نخیرری می باشد، یعنی هر یک از نماز جمعه با ظهر را انجام دهد کافی است، ولی احتیاط آن است که به هنگام تشکیل حکومت اسلامی نماز جمعه را انتخاب کند.
- ۳۵ - نماز جمعه باید به جماعت خوانده شود و حداقل جمعیت برای انعقاد جمعه، پنج نفر است (امام جمعه و چهار نفر دیگر).

۳۶ - نماز جمعه بر «مسافران» و «زنان» و «بیماران» و «ازکار افتادگان» واجب نیست ولی اگر آنها در نماز جمعه حاضر شوند نمازشان صحیح است، اما احتیاط واجب آن است که پنج نفر اصلی نماز جمعه (امام و چهار نفر دیگر) غیر آنها باشد.

۳۷ - فاصله دو نماز جمعه باید کمتر از یک فرسخ نباشد و اگر در کمتر از یک فرسخ دو نماز جمعه خوانده شود نماز اولی صحیح و دومی باطل است.

۳۸ - کسانی که تا دو فرسخی از محل نماز جمعه فرار دارند مشمول حکم نماز جمعه هستند و در صورتی که نماز جمعه واجب عینی باشد حضور آنها در نماز جمعه واجب است.

۳۹ - «وقت نماز جمعه» از اول ظهر است به مقداری که اذان و خطبه‌ها و نماز مطابق معمول انجام شود و با گذشتن این مقدار، وقت نماز جمعه پایان می‌یابد و باید نماز ظهر خوانده شود.

۴۰ - (طریقه نماز جمعه) - نماز جمعه دو رکعت است مانند نماز صبح که باید قبل از آن دو خطبه به وسیله امام جمعه خوانده شود و هر یک از خطبه‌ها باید مشتمل بر امور زیر باشد:

۱ - حمد و ثنای الهی.

۲ - صلوات بر محمد و آل محمد.

۳ - وعظ و ارشاد و سفارش به تقوی الهی.

۴ - خواندن یک سوره کوتاه در هر خطبه مانند سوره «قل هو الله»، «قل یا ایها الکافرون» یا سوره «والعصر» (بنابر احتیاط واجب).

۵ - و نیز بنابر احتیاط واجب برای خود و مؤمنین و مؤمنات استغفار کند و در خطبه دوم ائمه هدی (علیهم السلام) را هنگام صلوات و درود یک یک نام ببرد.

بنابراین خطبه اول شامل پنج قسمت و خطبه دوم شامل شش قسمت است. امام باید خطبه‌ها را در حال قیام بخواند و میان دو خطبه جلوس مختصری بنماید و صدای خود را در حد مقدور به نمازگزاران برساند و وعظ و ارشاد را به زبان قابل فهم برای مردم ایراد کند.

۴۱ - شایسته است خطیب ملبس به عمامه و عبا باشد و بر عصا و مانند آن تکیه کند و قبل

از شروع به خطبه، به مأمومین سلام کند و سزاوار است مسائل مهم سیاسی و اجتماعی و اخلاقی مسلمین و جهان اسلام و منطقه را برای مردم شرح دهد و آنها را به وظایفشان در برابر این مسائل آشنا سازد و در برابر توطئه های دشمنان به آنها هشدار دهد.

خلاصه، خطیب حداکثر استفاده را از خطبه ها برای تهذیب نفوس مردم و آگاه ساختن آنها از مسائل مهم روزی نماید که یکی از اهداف اصلی خطبه ها همین است.

خطبه ها را با عبارات فصیح و گویا و بلیغ و مؤثر و نافذ ایراد نماید تا خطبه ها تأثیر لازم را در نفوس مسلمین بگذارد و از این فریضه عبادی سیاسی بهره گیری کامل شود، هرگز به سراغ مسائل تفرقه انداز نرود و مسلمین را به وحدت در مقابل دشمنان دعوت نماید.

۴۲- احتیاط واجب آن است که نمازگزاران هنگام ایراد خطبه با طهارت باشند و روبه امام نشینند و سکوت را رعایت کنند و به خطبه ها گوش فرا دهند، ولی اگر عمداً سخن بگویند، نماز جمعه آنها باطل نمی شود، هر چند کار خلافی کرده اند.

۴۳- هرگاه کسی به خطبه ها نرسد و در نماز شرکت کند، با فقط یک رکعت از نماز جمعه را درک نماید نماز او صحیح است، ولی احتیاط واجب آن است که عمداً تأخیر نیندازد.

۴۴- خطبه ها باید بنابر احتیاط واجب بعد از اذان ظهر باشد و اگر قبل از آن بخواند اعاده کند.

شروع صفر المظفر ۱۴۰۸ ه.ق

پایان محرم الحرام ۱۴۱۰ ه.ق

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

استفتائات جدید

تقلید

سؤال ۱: شخصی ده سال بدون تقلید عبادت می کند، عبادتش چگونه است؟
جواب: باید هم اکنون تقلید کند به آنچه مطابق دستور مرجع فعلی او واقع شده صحیح است و غیر آن را باید اعاده کند.

سؤال ۲: آیا زن می تواند علوم اسلامی را تحصیل نماید و به مقام اجتهاد برسد؟
جواب: مانعی ندارد و ممکن است به مقام اجتهاد برسد.

سؤال ۳: تکلیف کسی که مقلد مرجعی بوده و بعد از وی مرجع دوم و بعد از فوت او به مجتهد حنی رجوع کرده است چیست؟

جواب: مسائلی را که از مرجع اول تقلید کرده، بر تقلید او باقی بماند و همچنین مسائلی که از مرجع دوم تقلید کرده است، و بقیه را به فتوای مجتهد حنی عمل کند.
نجاسات

سؤال ۴: حکم ژلاتین که از استخوان گاو گرفته می شود و ذبح شرعی نشده، چیست؟ لازم به ذکر است تمام کپسولها و قرصها و حتی بعضی از شیرینیجات از این ماده درست می شود.

جواب: استفاده از آن در موارد ضرورت مانعی ندارد.

سؤال ۵: حکم الکل را از نظر طهارت و نجاست بیان فرمائید؟

جواب: الکل صنعتی و طبی پاک است ولی مشروبات الکلی مست کننده اشکال دارد.

سؤال ۶: با توجه به اینکه امروزه بسیاری از لوازم آرایش مورد مصرف بانوان مسلمانان از جفت جنین تهیه می گردد استفاده و مصرف آن چه حکمی دارد و ضمناً بفرمائید جفت

نجس است یا متنجس؟

جواب: دلیلی بر نجاست جفت نیست (همان طور که در تعلیقه عروه نیز نوشته‌ایم) بنابراین اگر آلوده به خون نباشد یا شک داشته باشیم پاک است.

سؤال ۷: گوشتهایی که از کشورهای غیر مسلمان وارد می‌شود چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه از بازار مسلمین و از دست مسلمان خریداری شود و احتمال بدهد که خریدار از ذبح شرعی آنها تحقیق کرده، حلال است

طهارت

سؤال ۸: آیا لباس به وسیله ماشین لباسشویی اتوماتیکی که خود چند بار لباس را می‌شوید و آب آن را می‌کشد پاک می‌شود؟

جواب: پاک است، خواه در حال شستن لباسها اتصال با آب لوله‌کشی داشته باشد یا بعد از قطع شدن شروع به شستشو کند.

سؤال ۹: کیفیت تطهیر موکتی را که به زمین چسبیده بیان فرمائید؟

جواب: به وسیله آب لوله‌کشی پاک می‌شود و مقداری فشار باید داده شود و بهتر این است که غساله آن را با چیزی جمع کند.

وضو

سؤال ۱۰: اگر انسان را شخص دیگری وضو یا غسل بدهد صحیح است؟

جواب: وضو و غسل او باطل است مگر هنگامی که دیگری آب بر بدن او می‌ریزد او خودش را شستشو دهد، ولی این کار در غیر مورد ضرورت مکروه است.

سؤال ۱۱: وضو گرفتن و نماز خواندن و استفاده از غذا در خانه کسی که خمس نمی‌دهد چه حکمی دارد؟

جواب: اگر یقین ندارید خانه یا غذای او از پول غیر مخمس تهیه شده، تصرف در آن مانعی ندارد و اگر یقین دارید ما به شما اجازه می‌دهیم تصرف کنید و معادل خمس آن را که تصرف کرده‌اید به سادات نیازمند بپردازید و اگر نمکن ندارید بر ذمه بگیرید و هر موقع که توانستید بپردازید.

غسل

سؤال ۱۲: آیا رفتن زن حائض به رواقهای اطراف ضریح مطهر ائمه اطهار - علیهم السلام - اشکال دارد اگر چه قبر را بیند و ضریح نزدیک باشد؟

جواب: در رواقها مانعی ندارد، ولی وارد حرم نشود.

سؤال ۱۳: زنی که سزارین می کند و بچه را از پهلوی او خارج می کنند خونی که از رحم می بیند نفاس است یا استحاضه؟

جواب: خون نفاس است.

نماز

سؤال ۱۴: حکم استفاده از طلای زرد، سفید و پلاتین را برای مردان بیان فرمایید.

جواب: آنچه طلا نامیده می شود زینت کردن با آن بر مردان حرام است خواه طلای زرد باشد یا سرخ یا سفید، ولی باید توجه داشته باشید که پلاتین طلا نیست و فلز دیگری است.

سؤال ۱۵: آیا نمایش فیلم مشروع در مساجد جایز است؟

جواب: این کارها مناسب شأن مسجد نیست بنابراین باید محل جداگانه ای برای این کار در نظر گرفت.

سؤال ۱۶: آیا شرکت بانوان در نمازهای جماعت یومیه و نماز جمعه کراهت دارد؟

جواب: در شرایط فعلی شرکت آنها بهتر و گاهی لازم است.

سؤال ۱۷: آیا امام جماعت می تواند نماز عید را به جماعت در دو مکان انجام دهد؟

جواب: مشکل است، ولی نمازهای یومیه را دو بار با دو گروه مختلف می توان خواند.

سؤال ۱۸: دعا کردن به زبان غیر عربی و به غیر ادعیه ماثوره در قنوت نماز چه حکمی دارد؟

جواب: به زبان غیر عربی اشکال دارد و خواندن هر دعایی که مضمون صحیحی داشته باشد در قنوت اشکالی ندارد.

سؤال ۱۹: آیا گذشت زمان حکم زمین غصبی را عوض می کند؟

جواب: نماز در زمین غصبی حرام است و مرور زمان هرگز حکم آن را تغییر نمی دهد.

سؤال ۲۰: آیا سجده بر سیمان و موزائیک و سنگ مرمر جایز است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۲۱: آیا زن در ولتن تابع شوهر است؟

جواب: اگر قصد زن تبعیت از شوهر در این امر بوده باشد، تابع خواهد بود ولی اگر قصدش این است که شوهرش را ترغیب و وادار به محل دیگر کند تابع نیست.

سؤال ۲۲: آیا کسی که خودش نماز و روزه قضا دارد می‌تواند از طرف شخص دیگر اجیر شود؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۲۳: نماز صبح در شبهای مهتابی چه زمانی باید خوانده شود؟

جواب: فرقی میان شبهای مهتابی و غیر مهتابی نیست.

سؤال ۲۴: نیت نماز صبح برای کسی که در طلوع آفتاب شک دارد چگونه است؟

جواب: می‌تواند به قصد مافی‌الذمه بخواند یا به نیت اداء.

روزه

سؤال ۲۵: ثبوت هلال برای چه شهرهایی حجت است؟

جواب: در شهرهایی که از نظر افق با آن شهر هم‌افق و یا قریب‌الافق است و همچنین اگر در مناطق شرقی دیده شود برای مناطق غربی حجت است.

خمس

سؤال ۲۶: آیا پولی که به عنوان دیه خون گرفته شده با گذشت سال خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

جواب: دیه خمس ندارد.

سؤال ۲۷: آیا خمس به حقوق بازنشستگی تعلق می‌گیرد؟

جواب: پولی را که از دولت بعد از بازنشستگی دریافت می‌کند در آمد همان سال محسوب می‌شود اگر از مخارج آن سال اضافه باشد خمس دارد.

سؤال ۲۸: آیا پرداخت مالیات در نظام جمهوری اسلامی از وجوه شرعیه کفایت

می‌کند؟

جواب: مالیات مانند سایر هزینه‌های کسب و کار است و جای وجوه شرعی را نمی‌گیرد.

سؤال ۲۹: آیا به جهیزیه خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: در مواردی که تهیه جهیزیه معمول و مورد نیاز است (مثلاً دختر در معرض ازدواج است یا تهیه آن جز به صورت تدریجی میسر نیست) خمس ندارد و در غیر این صورت خمس آن واجب است.

سؤال ۳۰: آیا کسانی که مادر آنها سید است حکم سادات را دارند؟

جواب: از جهاتی حکم سید را دارند و از جهاتی ندارند. خمس نمی‌توانند بگیرند و از لباس مخصوص سادات نمی‌توانند استفاده کنند اما از جهاتی شرافت سیادت را دارند.

حج

سؤال ۳۱: خدمه‌ای که کاروان به حج می‌روند با توجه به عدم استطاعت مالی خود، حج را چگونه انجام دهند آیا باید نیت واجب کنند؟

جواب: خدمه کاروان مستطیع هستند (به شرط اینکه نفقه همسر و فرزندان خود را در مدت حج داشته باشند) و باید نیت حج واجب کنند و اگر مرتبه اول آنهاست نمی‌توانند به قصد نیابت کسی حج به جا بیاورند همچنین اگر کسی به عنوان کمک کسی به حج برود.

نکاح (احکام حجاب و نظر)

سؤال ۳۲: آیا اگر انسان همان طور که از دیدن یک باغ و گلستان لذت می‌برد از نگاه کردن به صورت انسان دیگر (مرد یا زن) لذت ببرد حرام است و مصداق قصد ریه و لذت به حساب می‌آید؟

جواب: غالباً این گونه نگاه‌ها جنبه لذت جنسی دارد لذا اشکال دارد.

سؤال ۳۳: خواندن سرود توسط زنان به صورت دستجمعی همراه با مردان اگر موجب مفسده نباشد چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۳۴: چنانچه زن با خود زینت داشته باشد مانند حلقه ازدواج یا انگشتری در

- دست یا چهره آراسته کرده باشد، آیا واجب است وجه و کفین را بپوشاند؟
 جواب: در مورد حلقه وانگشتر مانعی ندارد ولی در مورد آرایش مشکل است.
- سؤال ۳۵: آیا سرمه کشیدن یا ابرو چیدن، انگشتر عقیق، ساعت، عینک طبی زیبا برای زنان زینت به حساب می آید که باید پوشانده شود؟
 جواب: ظاهراً جزء زینت ممنوع نیست.
- سؤال ۳۶: آمپول زدن زن توسط مرد نامحرم چگونه است؟
 جواب: در غیر موارد ضرورت جایز نیست.
- سؤال ۳۷: مراجعه زن به دکتر مرد اگر دکتر حاذق زن نباشد چه حکمی دارد؟
 جواب: در صورت ضرورت اشکالی ندارد.
- سؤال ۳۸: دست دادن زن به مرد نامحرم یا دستکش چه حکمی دارد؟
 جواب: بهتر ترک این کار است.
- سؤال ۳۹: گوش دادن به خنده زن نامحرم اگر موجب مفسده خاصی نباشد چه حکمی دارد و در صورتی که مفسده داشته باشد چه حکمی دارد؟
 جواب: در مواردی که مفسد خاصی بر آن مترتب نشود مانعی ندارد.
- سؤال ۴۰: نگاه کردن به صورت زنان چادر نشینان که معمولاً قسمتی از موی سر آنها نیز دیده می شود برای مرد نامحرم چه حکمی دارد؟ توضیح اینکه ایشان به این نوع پوشش عادت کرده اند و اگر تذکر داده شود نمی پذیرند.
 جواب: اگر قصد تلبذ و ریبه نباشد اشکالی ندارد.
- سؤال ۴۱: آیا دیدن فیلمهای خارجی که از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می شود و خانمهای بدون روسری و چادر در آن بازی می کنند جایز است؟
 جواب: هرگاه موجب مفسد خاصی نشود اشکال ندارد.

وقف

- سؤال ۴۲: حکم ظروف و اشیاء دیگر غیر قابل استفاده مساجد را بیان فرمائید؟
 جواب: اگر به هیچ وجه در آن مسجد و مساجد دیگر قابل استفاده نیست می توانند آن را بفروشند و اشیای مشابه قابل استفاده ای خریداری کنند.

سؤال ۴۳: آیا انتقال لوازم ساختمان مسجد مخروبه جایز است؟
جواب: چنانچه در مساجد دیگر قابل استفاده باشد به آنها بدهند و اگر قابل استفاده نیست بفروشند و وجه آن را در همان مسجد و اگر احتیاج نباشد در مساجد دیگر مصرف کنند.

امر به معروف و نهی از منکر

سؤال ۴۴: امر به معروف و نهی از منکر در اداره باعث شود تا انسان از مزایایی همچون اضافه کار و یا پاداشهای دیگر محروم شود، آیا باز هم واجب است؟
جواب: اگر موجب ضرر و زیان مهمی نشود واجب است.

سؤال ۴۵: با وجود نهادی برای امر به معروف در نظام جمهوری اسلامی آیا وظیفه امر به معروف و نهی از منکر از دیگران سلب می شود؟ و در صورت تداخل کار آنها با دیگران تکلیف چیست؟

جواب: امر به معروف و نهی از منکر یک حکم عام است و همه به مقدار توان خود موظف به آن هستند و وجود چنین نهادی سلب مسئولیت از دیگران نمی کند و موارد تداخل را با برنامه ریزی باید حل کرد.

سؤال ۴۶: آیا در امر به معروف و نهی از منکر قصد قربت شرط است؟

جواب: قصد قربت شرط نیست ولی بدون آن ثواب به کسی نمی دهند.

سؤال ۴۷: آیا تذکر به کسی که قرآن را غلط می خواند واجب است؟

جواب: بهتر است با زبان خوب تذکر دهید.

تعزیرات

سؤال ۴۸: پزشکی از معالجه امتناع کرده و در نتیجه مصدوم یا مریض فوت کرده، مجازات او چیست؟

جواب: مجازات او تعزیر است (و تعزیر انواع مختلفی دارد، زندان و جریمه های مالی و محرومیت موقت یا دائم از شغل مانند آن را شامل می شود).

سؤال ۴۹: آیا زدن دانش آموزان جایز است؟

جواب: زدن دانش آموزان جایز نیست مگر این که این امر به خاطر تربیت آنها لازم باشد و با اجازه ولی باشد، و اصولاً در عصر و زمان ما هر قدر از آن پرهیز شود بهتر است.

بانک

سؤال ۵۰: حکم سپرده‌های بلند مدت و کوتاه مدت بانکها چیست؟

جواب: در صورتی که طبق عقود شرعیه انجام شود و یا اینکه صاحب پول انتظار و مطالبه‌ای نداشته باشد و بانک از ناحیه خود چیزی بدهد اشکال ندارد.

سؤال ۵۱: آیا سود سپرده بانکها حلال است؟

جواب: چنانچه رعایت عقود شرعیه را بنماید یا اینکه وکالت مطلقه به مسئولین بانک داده شود که رعایت این عقود را بنمایند حلال است.

بزشکی

سؤال ۵۲: حکم جلوگیری از انعقاد نطفه را بیان کنید؟

جواب: برای جلوگیری از انعقاد نطفه هر وسیله مشروعی که بی ضرر باشد و باعث نقص مرد یا زن بطور دائم نشود ذاتاً مجاز است ولی اگر مستلزم نظر و لمس نامشروع باشد تنها در صورت ضرورت فردی یا اجتماعی جایز است.

سؤال ۵۳: آیا سقط جنین را جایز می‌دانید؟

جواب: تنها در صورتی که یقین یا خوف خطر یا ضرر مهمی برای مادر داشته باشد در مراحل اولیه جایز است.

سؤال ۵۴: تغییر جنسیت چه حکمی دارد؟

جواب: تغییر جنسیت و ظاهر ساختن جنسیت واقعی ذاتاً خلاف شرع نیست ولی باید از مقدمات مشروع استفاده شود یعنی نظر و لمس حرام در آن نباشد، مگر اینکه به حد نیت برسد.

نراره

سؤال ۵۵: شانه خالی کردن از زیر بار اموری همچون عوارض، مقررات راهنمایی و

رانندگی، ممنوعیتهای گمرکی با لطایف الحیل و نیرداختن وجه آن و یا کم کردن وجه با توجه به اینکه خلاف مقررات دولت اسلامی است شرعاً چه حکمی دارد؟
جواب: مخالفت با مقررات حکومت اسلامی مجاز نیست.

سؤال ۵۶: چرا محل دفن امام هشتم (ع) را قبله هفتم نامیده‌اند؟

جواب: نظر به این که هفت مدفن برای معصومین (علیهم السلام) وجود دارد (مدینه محل دفن پیامبر، قبرستان بقیع، نجف، کربلا، کاظمین، سامراء و مشهد) لذا مدفن امام علی بن موسی الرضا علیه السلام را بعضی از مردم قبله هفتم نامیده‌اند (البته قبله در اینجا به معنی قبله نماز نیست).

سؤال ۵۷: آیا رابطه اقتصادی با دولت غاصب اسرائیل جایز است؟

جواب: هر چیزی که باعث تقویت اسرائیل غاصب شود حرام است.

سؤال ۵۸: آیا استفاده از کراوات و پاپیون اشکال شرعی دارد و اگر شخص داماد برای شب عروسی از آن استفاده نماید حکم مسأله چیست؟

جواب: از آنچه شعار بیگانگان از اسلام است اجتناب کنید.

سؤال ۵۹: رانندگی اتومبیل برای زنان چه حکمی دارد؟

جواب: با حفظ حجاب اسلامی و جهات شرعی دیگر مانعی ندارد.

سؤال ۶۰: آیا بانوان می‌توانند آموزش فنون نظامی ببینند؟

جواب: جایز است مگر این که مستلزم معصیتی باشد.

سؤال ۶۱: حکم کارمزد را بیان فرمایید؟

جواب: منظور از کارمزد حق الزحمه‌ای است که به کارمندان بانک یا صندوق فرض الحسنه و مانند آن به عنوان حقوق در مقابل زحماتی که جهت حفظ حسابها و سایر خدمات انجام می‌دهند داده می‌شود و چنانچه مبلغ اضافی به همین نیت گرفته شود و صرف کارمندان و هزینه‌های دیگر شود مانعی ندارد؟

سؤال ۶۲: قرآن خواندن زنان در حضور مردان فریبه چه حکمی دارد؟

جواب: اگر با آهنگ بخواند اشکال دارد.

سؤال ۶۳: نی‌زدن اگر موجب فساد نباشد چه حکمی دارد؟

جواب: اگر از قبیل آهنگهایی باشد که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام است.

سؤال ۶۴: اگر کسی به فروشنده یخچال بگوید از تو ۱۰۰ عدد یخچال می خرم و بعد از

یک هفته پول آن را می پردازم آیا چنین معامله ای صحیح است؟

جواب: اگر یخچالهای مورد معامله در اختیار خریدار قرار گیرد، مانعی ندارد.

سؤال ۶۵: حکم کف زدن در مکانهای مختلف چیست؟

جواب: کف زدن مانعی ندارد اما در مساجد و حسینیه ها ترک شود.

سؤال ۶۶: حکم انواع رقص را بیان فرمایید؟

جواب: تنها رقص زن برای شوهرش جایز است و بقیه اشکال دارد.

سؤال ۶۷: نظر جنابعالی در مورد شطرنج چیست؟

جواب: اگر شطرنج در عرف عام از صورت قمار خارج شده باشد و به عنوان نوعی ورزش

شناخته شود مانعی ندارد.

سؤال ۶۸: بازی با پاسور چه حکمی دارد؟

جواب: بازی با پاسور بدون برد و باخت نیز اشکال دارد.

سؤال ۶۹: آیا تراشیدن ریش جایز است؟

جواب: احتیاط در ترک آن است.

سؤال ۷۰: چه نوع موسیقی هایی حلال و چه نوع آن حرام است؟

جواب: کلبه صداها و آهنگ هایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام، و غیر آن

حلال است و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف خواهد بود.

سؤال ۷۱: نظر حضرت عالی در مورد شبیه خوانی چیست؟

جواب: اگر امر خلاف شرعی در آن نباشد و موجب هتک مقدسات نشود اشکالی ندارد.

سؤال ۷۲: گرفتن پول خون مقتول چگونه است لطفاً توضیح دهید؟

جواب: دیه یک حق الهی است و گرفتن آن در مواردی که شرع اجازه داده است مانعی

ندارد هر چند عفو کردن در بعضی از موارد بهتر است.

سؤال ۷۳: آیا مسافرت و مهاجرت به کشورهای خارجی غیر مسلمان جایز است؟

جواب: هجرت به کشورهای کفر در صورتی که قدرت بر حفظ دین خود و کسانی که همراه

او هستند داشته باشد و یا قدرت بر ترویج دین اسلام داشته باشد جایز است.

سؤال ۷۴: شخصی در اثر سوختگی به بیمارستان منتقل می شود و پزشک معالج در

انجام معالجه کوتاهی می‌کند و شخص مصدوم فوت می‌نماید، پزشک قانونی اعلام می‌کند میزان سوختگی به حدی بوده است که در نهایت منجر به فوت می‌شده اما سهل انگاری پزشک باعث گردیده بیمار زودتر فوت کند آیا در این فرض مسئولیتی متوجه پزشک است؟

جواب: پزشک گناه کرده و باید تعزیر شود.

سؤال ۷۵: اینجانب به دلیل این که پدرم سال تولدم را یادداشت نکرده، زمان تولد خویش را نمی‌دانم و از سال ۶۸ به خواندن نماز و گرفتن روزه اقدام نموده‌ام، وجوب تکلیف در مورد من از چه راهی ثابت می‌شود؟

جواب: علامت بلوغ در مرد یکی از سه چیز است:

- ۱- به سن تکلیف یعنی پانزده سال تمام و داخل در شانزده شود و اگر سن خود را نداند و علامت دیگر در او موجود نباشد تا یقین به پانزده سال تمام پیدا نکند و ظیفه‌ای ندارد.
- ۲- خارج شدن منی کم یا زیاد، در خواب یا بیداری.
- ۳- روئیدن موی خشن و زیر بالای عورت.

سؤال ۷۶: اگر شخصی دیگری را اجیر کند که یک ختم قرآن برای پدر او قرائت نماید و در مقابل اجرتی را دریافت نماید ولی بعد از ختم قرآن از پرداخت اجرت خودداری می‌کند آیا در مقابل اجرت ضامن است یا خیر؟

جواب: ضامن است.

اعتکاف

- ۱- اعتکاف از مستحبات ولی به نذر و مانند آن واجب می‌شود و قصد عبادت شرط است.
- ۲- اعتکاف بیش از سه روز هم جایز است ولی هرگاه دو روز اضافه کند روز سوم را بر آن بیفزاید (بنا بر احتیاط واجب).
- ۳- اعتکاف باید در مسجد جامع باشد و منظور از مسجد جامع مسجدی است که قشرهای مختلف شهر در آن شرکت دارند بر خلاف مسجد محل و مسجد بازار که قشر خاصی در آن شرکت می‌کنند.

- ۴ - خارج شدن از مسجد عمداً موجب بطلان اعتکاف است و از روی فراموشی نیز بنا بر احتیاط چنین است.
- ۵ - اعتکاف برای زنان هم جایز است ولی احتیاط واجب آن است که از همسرشان اجازه بگیرند.
- ۶ - احتیاط آن است که در اعتکاف برای غیره قصد اهداء ثواب کند خواه حیثی باشد یا میت و بنابراین می توان قصد چند نفر را نمود.
- ۷ - لازم نیست روزه برای اعتکاف باشد بلکه می تواند روزه ماه مبارک یا روزه قضا و مانند آن را بجا آورد ولی روزه استیجاری مشکل است.
- ۸ - اعتکاف مستحب را در دو روز اول می توان رها کرد ولی روز سوم رها کردن جایز نیست.
- ۹ - بهتر است که مدت اعتکاف در یک مسجد باشد ولی در دو مسجد متصل به هم نیز مانعی ندارد.
- ۱۰ - در جایی که مشکوک است جزء مسجد می باشد یا نه و ظاهر حال گواهی بر چیزی نمی دهد اعتکاف صحیح نیست.
- ۱۱ - زنان نیز فقط در مسجد می توانند معتکف شوند.
- ۱۲ - کودکان ممیز نیز می توانند اعتکاف کنند.
- ۱۳ - در موارد زیر شخص اعتکاف کننده می تواند از مسجد خارج شود:
- الف - برای هرگونه کار ضروری شرعی یا عرفی مانند رفتن به دستشویی و غسل واجب و تهیه ضروریات.
- ب - همچنین برای گواهی دادن در دادگاه و نماز جمعه و تشییع جنازه و عیادت مریض، اما برای هر کار مستحبی جایز نیست.
- ۱۴ - احتیاط آن است که هنگام اعتکاف بر فرش غصبی موجب بطلان اعتکاف نمی شود به خلاف محل غصبی بنا بر احتیاط.
- ۱۵ - جایز است در اعتکاف در آغاز نیست؛ شرط کند که هرگاه عذر عرفی یا شرعی برای او پیدا شد بتواند اعتکاف را به هم زند در این صورت هر وقت عذری شرعی برای او پیدا شد می تواند آن را به هم زند حتی در روز سوم.